

تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۱

واحد ۳

اداره کلاس‌های کودکان

نسخه منتشره موقت

نسخه ۱.۲.۱.PE.IN

۲۲ می ۲۰۱۳ میلادی

۱ خرداد ۱۳۹۲ شمسی



مؤسسه روحی

Copyright © 2011 by the Ruhi Foundation, Colombia
All rights reserved. Version 1.2.1.PE.IN May 2013

Ruhi Institute
Apartado Postal: 402032
Cali, Colombia
Tel: 57 2 828-2599
Email: instituto@ruhi.org
Web site: www.ruhi.org

حق چاپ © ۲۰۱۱ بنیاد روحی، کولومبیا
تمام حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۲.۱.PE.IN می ۲۰۱۳

مؤسسۀ روحی
کالی، کولومبیا
تلفن: ۵۷ ۲ ۸۲۸ ۲۵۹۹
ایمیل: instituto@ruhi.org
وب سایت: www.ruhi.org

مؤسسه روحی یک نهاد آموزشی است که تحت نظارت و هدایت محفل روحانی ملّی بهائیان کلمبیا فعالیت می‌کند. هدفش توسعه منابعی انسانی است که خود را وقف ترقّی روحانی، اجتماعی و فرهنگی مردم کلمبیا نمایند. در طول چند دهه، مطالب این مؤسسه به نحو فزاینده‌ای مورد استفاده‌ی جوامع ملّی بهائی در جمیع نقاط دنیا قرار گرفته است.

رویکردی که مؤسسه روحی برای تهیه موادّ درسی دنبال می‌کند با یک رویکرد سنتی طرح‌ریزی، آزمایش در عمل، و ارزیابی موادّ درسی که یکی بعد از دیگری و به صورت یک بُعدی انجام می‌شود به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت است، بدین صورت که اولین قدم برای نوشتن هر مجموعه از موادّ درسی وقتی برداشته می‌شود که تجربه‌ای در سطح مردمی از طریق انجام خدمتی در پاسخ به نیازهای توسعه‌ای یک جامعه به دست آمده است. موادّ درسی از این تجربه نشئت می‌گیرد و تبلوری از آن تجربه می‌گردد. این موادّ از یک سوشرچی است از آن یادگیری که در اثر به کار گرفتن تعالیم الهی در یک میدان خاصّ خدمت حاصل شده، و از سوی دیگر وسیله‌ای است برای روش‌مند کردن آن یادگیری. این رویکرد در جزوه کوچکی تحت عنوان ”یادگیری در باره رشد: داستان مؤسسه روحی و ترویج وسیع آئین بهائی در کلمبیا“ به نحو زیر توصیف شده است:

وقتی که یک نیاز آموزشی مشخص شد، گروه کوچکی متشکل از آحاد مردم، با یک دیگر مشورت می‌کنند، یک سلسله نظرات برای اقدامات آموزشی تهیه می‌نمایند و آنها را به مرحله عمل در می‌آورند. نتایج حاصله مورد بازنگری و ارزیابی قرار گرفته و در باره آنها مشورت می‌شود. در پرتو این مشورت یک سلسله اقدامات آموزشی تعدیل شده به اجرا گذاشته می‌شود، و بازنگری مجدّد آنها منجر به تعدیل و تصحیح بیشتری می‌گردد. در این فرایند تهیه موادّ درسی، هیچگاه اقدام موكول به تهیه و ارزیابی نهایی موادّ درسی نمی‌شود. اقدامات آموزشی در هر مرحله با بهترین موادّی که در دست است پیش می‌رود، با این ایمان قطعی که فقط از طریق عمل و بازنگری - که هر دو در پرتو ظهور حضرت بهاءالله انجام می‌شود - موادّ درسی مناسب‌تری می‌تواند به تدریج تکامل یابد. اما این ترتیب فقط برای آن نیست که چند نفر موادّی برای استفاده خودشان بوجود آورند؛ دیر یا زود لازم می‌شود که ساختار و محتوای هر واحد به صورت نهائی در آید تا با اطمینان بتواند مورد استفاده دیگران قرار گیرد. تصمیم در مورد نشر نسخه نهائی موادّ برای یک دوره مورد نظر، وقتی گرفته می‌شود که مشاهده می‌گردد که دیگر تعدیلات لازمه بسیار جزئی و قابل اغماض است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که جنبه‌های مختلف این فرایند مشورت، اقدام و بازنگری، به موازات هم پیش می‌روند، و به صورت سلسله‌ای متوالی، که در اصل ترتیبی تصنعی خواهد بود، اجرا نمی‌شوند.

در عمل رویکرد فوق، بسته به ماهیت موادّ در دست تهیه، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. اما بطور کلی سه مرحله را می‌توان در فرایند تهیه شناسائی نمود که به آنچه نسخه منتشره نهائی خوانده می‌شود می‌انجامد:

۱- طرح مقدماتی

در این مرحله، یک دوره یا متن مفاهیم اصلی و مجموعه بیاناتی از آثار بهائی را شامل می‌گردد که به نظر می‌رسد کلاً بتوانند هدف آموزشی مورد نظر را حاصل نمایند. این طرح مقدماتی از نظرات به عنوان قسمتی از تلاش در جهت تهیه محتویات مؤثری برای دوره، تا مدتی بوسیله گروه‌های کوچکی از افراد در میدان خدمت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- نسخه الف

همچنان که اقدام پیش می‌رود، مواد درسی اصلاح می‌شود و شروع به منعکس نمودن تجربیات حاصله می‌نماید، و نظراتی را که از تجربه منبعث گردیده در خود ادغام می‌کند. بعضی از مفاهیم به کرات تعدیل می‌شود، قسمت‌های جدیدی از آثار بهائی اضافه می‌گردد، یا یک سلسله تمرینات ساده ارائه می‌شود تا درک یک موضوع را آسان‌تر نماید یا به ایجاد یک مهارت یا گرایش مهم کمک کند. از طریق این فرایند، یک دوره یا متن منسجم به وجود می‌آید که معمولاً به عنوان "نسخه الف" انگاشته می‌شود.

۳- نسخه پیش از چاپ

سرانجام، معمولاً بر اساس انسجام متن، تصمیم گرفته می‌شود که یک دوره یا متن به عنوان نسخه پیش از انتشار بطور گسترده‌تری در دسترس افراد قرار گیرد. از طریق استفاده مداوم آن واضح می‌شود که در کجا لازم است جای یک بخش عوض شود یا یک تمرین به نوع دیگری نوشته شود. ممکن است چندین نسخه پیاپی تهیه شود. اما به تدریج برای رسیدن به منظور دلخواه، تعدیل و تصحیح کمتری مورد نیاز خواهد بود و در این مرحله مواد درسی یا متن برای طبع و انتشار فرستاده می‌شود.

مؤسسه روحی خوشوقت است که این "نسخه موقت" از سومین واحد کتاب ۳ از دوره‌های متسلسل اصلی مؤسسه، "تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۱" را در اختیار سازمان‌ها و مؤسسات قرار دهد. کتاب ۳ از سه واحد تشکیل شده که عبارتند از: "برخی از اصول تعلیم و تربیت بهائی"، "درس‌هایی برای کلاس‌های کودکان- سال اول" و "اداره کلاس‌های کودکان". در حال حاضر نسخه جدیدی از این کتاب در دست تهیه است و امیدواریم تا اواخر سال آن را منتشر سازیم. قسمت اعظم تغییرات در واحد دوم کتاب ظاهر می‌شود که متن آن مورد تجدید نظر قرار گرفته است و بجای پانزده درس که در نسخ منتشره کنونی است، بیست و چهار درس را شامل می‌گردد. در حالیکه نسخه جدید کتاب ۳ آماده می‌شود، مؤسسه روحی به منظور کمک به ارائه کامل این دوره به معلمین، دومین واحد کتاب را با بیست و چهار درس به صورت نسخه پیش از انتشار به همراه واحدهای ۱ و ۳ به صورت نسخه موقت در اختیار مؤسسات قرار می‌دهد.

لازم به تذکر است که درس‌هایی برای "تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۲" و "تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۳" نیز به صورت نسخه پیش از انتشار موجود است و همچنین موادی برای تعلیم معلمین سال ۲ وجود دارد. وقتی این دو کتاب منتشر گردد مجموعه‌ای از دوره‌های فرعی که از کتاب سه منشعب می‌شوند برای مطالعه کسانی که مایلند با ارائه تعلیم و تربیت روحانی کودکان، به توسعه جامعه خود کمک کنند آغاز خواهد شد. جهت اطلاع شما، بیست و یک درس که برای سال ۲ آماده شده در باره موضوع رفتار است. این درس‌ها آن عادات و الگوهای رفتاری را که انعکاس صفاتی است که در سال ۱ مطرح گردید در کودکان پرورش می‌دهد. سپس در سال ۳، به اطفال کمک می‌شود که در ذهن خود ارتباطی بین این الگوهای رفتاری و علم الهی که از طریق مظاهر ظهورش کسب می‌گردد برقرار سازند در عین حال که در بیست و چهار درس در باره حیات و رسالت این مظاهر مقدسه که در طی اعصار مختلف در بین نوع بشر ظاهر می‌شوند شرکت می‌نمایند.

مؤسسه روحی

سپتامبر ۲۰۱۱

بخش اول - اداره کلاس کودکان

هدف از این بخش، فراگیری و درک اصول و روش‌هایی برای اداره یک کلاس بهائی است. در بخش گذشته، مطالب یک کلاس ساده که شامل حفظ نمودن نصوص مبارکه، مناجات‌ها، فراگیری داستان‌های کوتاه، بازی، سرودخوانی و رنگ‌آمیزی بود، مطالعه گردید. آگاهی شما از مفاد برنامه هر درس و اشتیاق شما در آماده ساختن خود برای تدریس، عوامل مهم موفقیت شما می‌باشد؛ با وجود این، آگاهی و اشتیاق ضامن نتیجه مطلوب نیست. موفقیت در این امر تا حدی به نحوه اداره کلاس و کیفیت روابط شما با اطفال و والدین آنها نیز بستگی دارد. بخوبی می‌دانید که چنین روابطی، باید پایه و اساسش، احترام، عشق و علاقه بیدریغ باشد. بهر حال شایسته است در باره روش‌های ویژه‌ای که شما را مساعدت می‌نماید تا در این خدمت شایان مؤثر باشید، تفکر کنید.

بخش دوم - سازماندهی کلاس

همانگونه که می‌دانید، بچه‌ها به کلاس نمی‌آیند که آرام و ساکت بمانند، مطمئناً شما هم در نظر ندارید که آنها را در کلاس ساکت و آرام نگهدارید. شما باید سعی کنید فرصت را غنیمت شمرده نیروی کودکی آنان را به جهت یادگیری هدایت کنید. برای انجام این کار لازم است که هم برای محیطی آرام و ساکت و هم زمانی برای بازی و سرگرمی برنامه ریزی کنید. در کلاس، نظم و ترتیب یک عامل اساسی است. هنگامی که در یک کلاس درس، نظم و ترتیب حکمفرماست بهتر و راحت‌تر می‌توان به شاگردان آموزش داد و آنها هم بهتر می‌توانند با حواس جمع و فکر متمرکز از درس‌ها بهره بگیرند. برای شروع به اندیشیدن در باره سازماندهی کلاس خود، شایسته است به این سه نکته توجه فرمائید:

۱. هر کلاس درس باید با تناسب و رعایت اصول آغاز و با نظم مخصوصی پایان پذیرد.
۲. باید برنامه روزانه فراهم شود. رفته رفته، کودکان متوجه می‌شوند کدام برنامه و سرگرمی بعد از کدام درس می‌آید و چه انتظاری از آموزگار خود داشته باشند.
۳. مدت زمانی که به هر یک از فعالیت‌های برنامه اختصاص داده می‌شود باید انعطاف پذیر و وابسته به شوق و نیروی اطفال باشد. پنج فعالیتی که نونهالان در کلاس خواهند داشت به قرار زیر است:

الف. از حفظ نمودن مناجات‌ها و نصوص مبارکه از آثار بهائی

ب. سرود خواندن

ج. داستان سرایی

د. بازی

ه. نقاشی و رنگ آمیزی که مربوط به مفاهیم روحانی می باشد.

وقت و زمانی که برای انجام این فعالیت ها در نظر گرفته می شود، طبیعتاً بسته به نوع آنها و حرکت و جنبشی که نیاز دارد، گوناگون خواهد بود؛ بعضی خیلی پر تحرک و بعضی دیگر آرام خواهند بود.

۱. کدام یک از این پنج فعالیت به تحرک بیشتر نیاز دارد؟

۲. کدام یک فعالیت آرام می باشد؟

میزان شدت تحرک فعالیت ها به شما در تنظیم وقت و حالت کلاس، یاری می دهد. توضیح زیر که توصیف برنامه یک کلاس است را بخوانید و تصمیم بگیرید که آیا جریان و ترتیب فعالیت ها منطقی است:

بچه ها بیرون اطاق به صف می ایستند و با نظم و ترتیب وارد کلاس درس می شوند. شما با استفاده از آرامش آنان، درس را با مناجات آغاز می کنید و سپس نصوص گذشته را مرور کرده و نص و مناجات جدید را یاد می دهید. قسمت بعدی برنامه که به آنها معرفی می کنید سرودخوانی است و بعد با ایجاد حالت انتظار در کودکان به داستان سرائی می پردازید. سپس بچه ها بیرون رفته بازی می کنند. هنگامی که به اطاق برمی گردند، برگه های نقاشی را به آنها داده فرصت می دهید که به رنگ آمیزی بپردازند. برای پایان دادن به کلاس، همگی آرام و ساکت می نشینند و به آنچه امروز یاد گرفته اند فکر می کنند و سپس مناجات خاتمه تلاوت می شود.

حال فهرستی از فعالیت ها را به ترتیبی که مایلید آنها را در کلاس انجام دهید تهیه کنید. فکر می کنید برای هر فعالیت چقدر وقت لازم دارید؟

زمان

نوع فعالیت

بخش سوم - شروع کلاس

اگر شرایط اجازه بدهد، آموزگار باید اطفال را پیش از ورود به کلاس درس، به نظم آورد و در این موقع می‌تواند حضور و غیاب را هم انجام بدهد. کودکان با شنیدن نامشان "صبح به خیر" گفته در صف جای می‌گیرند. می‌توان در کلاس به شاگردان مختلف، فرصت داد که در جلوی صف قرار بگیرند. همچنین می‌توان از این روش برای پاداش دادن به خوشرفتاری و یا کوششی که در فراگرفتن در جلسه گذشته نشان داده شده، استفاده نمود. در حالیکه بچه‌ها در صف ایستاده‌اند، آموزگار می‌تواند از موقعیت استفاده کرده و درباره رفتار و کردار پسندیده با آنان صحبت نماید. مثلاً می‌تواند به آنان بگوید: "ما حالا با رعایت سکوت سر جاهای خود می‌نشینیم و مناجات تلاوت می‌کنیم. امروز ما به خصوص سعی خواهیم کرد که نسبت به یکدیگر بسیار مؤدب باشیم."

بعد از ورود به کلاس، کودکان وسایل خود را در جایی گذارده و برای خواندن مناجات، آرام بر جای خود قرار می‌گیرند. اگر کودکان از روز اول یاد بگیرند که همیشه کارها به همین منوال صورت می‌گیرد، شروع کلاس و حفظ نظم و ترتیب آن آسان خواهد بود.

با گروه خود درباره پرسش‌های ذیل مشورت نمائید:

۱. اگر بچه‌ها شروع به هل دادن یکدیگر، سروصد کردن و اختلال نظم در صف بنمایند شما چه خواهید کرد؟

- الف. _____
- ب. _____
- ج. _____

۲. اگر یکی از بچه‌ها نخواهد در صف پهلوی دیگری قرار بگیرد چه خواهید کرد؟

- الف. _____
- ب. _____
- ج. _____

۳. اگر در کلاس درس، بچه‌ها بر سر یک جای بخصوص دعوا کنند چه خواهید کرد؟

- الف. _____
- ب. _____
- ج. _____

۴. اگر شاگردان با نظم و ترتیب به صف بایستند و سپس به آرامی وارد کلاس بشوند و در جای خود نشسته و آماده مناجات خواندن بشوند چه خواهید کرد؟

_____ الف.

_____ ب.

_____ ج.

۵. اگر بچه‌ها بعد از وارد شدن به کلاس درس، آماده برای شروع درس نشسته باشند و آموزگار هنوز آماده نباشد و به دنبال ورقه‌ها و مطالب قسمت اول بگردد، چه خواهند کرد؟

_____ الف.

_____ ب.

_____ ج.

بخش چهارم - زمان تلاوت مناجات

زمان تلاوت مناجات در آغاز کلاس بسیار اهمیت دارد. اولاً مناجات باعث جلب تأیید و توفیق الهی برای اطفال می‌گردد و سبب بیداری و هوشیاری و افزایش استعداد فهم و درک آنان می‌شود. همچنین مناجات علت ایجاد روحانیت و توجه به خدا می‌شود که مراحل یادگیری را سرعت می‌بخشد.

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”اطفال بهائی را جمع نموده در بامداد تعلیم مناجات می‌دهید این عمل بسیار مقبول و سبب سرور قلوب است که آن اطفال هر صبح توجه بملکوت نموده بذکر حق مشغول گردند و در نهایت ملاحظت و حلاوت مناجات کنند.“^۱

در حالی که کودکان مناجات تلاوت می‌کنند، شما باید سعی کنید که حالت روحانی کلاس حفظ شود. و این به آن معنی است که وقتی یکی از شاگردان مناجات می‌خواند دیگران باید با نهایت احترام و سکوت به آن توجه نمایند.

هنگامی که مناجات اول تمام شد، همگی باید چند لحظه‌ای سکوت نمایند تا مناجات بعدی آغاز شود. اغلب برای خردسالان ساکت نشستن برای مدت طولانی دشوار است. از اینرو بهتر است که فقط سه یا چهار نفر از کودکان در حالت روحانی مناجات تلاوت کنند، تا اینکه همه اطفال در محیطی پرسر و صدا و حرکت مناجات بخوانند. توصیه می‌شود که آموزگار سه یا چهار نفر از کودکان را قبلاً برای تلاوت مناجات انتخاب و خودش با خواندن اولین مناجات کلاس را شروع نماید.

با گروه خود درباره پرسش‌های زیر مشورت نمایید:

۱. چرا شروع کلاس با مناجات ضروری است؟
۲. از طریق مناجات چه برکات و توفیقاتی نصیب اطفال می‌گردد؟
۳. کودکان چگونه باید مناجات تلاوت نمایند؟
۴. با حالت احترام نشستن چه معنایی دارد؟ می‌توانید نشان دهید؟
۵. به نونهالانی که در حین تلاوت مناجات در نهایت احترام رفتار می‌کنند چگونه می‌توانید پاداش دهید؟
۶. در حین تلاوت مناجات کودکانی حواسش پرت می‌شود و شروع به صحبت با دوستش می‌کند، نتایج عکس‌العمل‌های زیر چه خواهد بود؟
 - الف. مناجات را قطع می‌کنید و از بچه‌ها می‌خواهید که در حین قسمت روحانی ساکت باشند.
 - ب. از آن کودک می‌خواهید که کلاس را ترک کند.
 - ج. اجازه نمی‌دهید که تا چند جلسه آن کودک مناجات را به صدای بلند در کلاس تلاوت کند.
 - د. رفتار کودک را نادیده می‌گیرید.
 - ه. بچه را به شدت سرزنش می‌کنید.
۷. بعضی از شاگردان هم‌کلاسی‌هایشان را به علت سروصدا به هنگام مناجات سرزنش می‌کنند. فایده و پی‌آمد عکس‌العمل‌های ذیل که انجام خواهید داد چه خواهد بود؟
 - الف. به آنها یادآوری می‌کنید که این کار وظیفه آموزگار است.
 - ب. اجازه می‌دهید که بچه‌ها خودشان اشتباهات یکدیگر را تصحیح کنند.
 - ج. خواندن مناجات را متوقف نموده و آنها را دعوت به سکوت می‌نمائید.
 - د. در آغاز کلاس به آنها یادآوری می‌کنید که چگونه باید رفتار کنند.
 - ه. از کودکی که شروع به صحبت در حین مناجات کرده می‌خواهید که کلاس را ترک کند.

بخش پنجم - نظم و انضباط

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”... باید مکتب اطفال بنهایت انتظام باشد تعلیم و تعلم محکم گردد و تهذیب و تعدیل اخلاق منتظم شود تا در صغر سن در حقیقت اطفال تأسیس الهی شود و بنیاد رحمانی بنیاد گردد.“^۲

در همه فعالیت‌های گوناگون کلاس شما یک عامل مهم وجود دارد که در موفقیت مؤثر می‌باشد: رفتار کودکان. بیشتر هنرآموزش در دانستن این هنر خلاصه می‌شود که چگونه می‌توان رفتار کودکان را به جهت مسیری شاد و در عین حال توأم با یادگیری راهنمایی کرد. راه‌های گوناگونی برای نیل به این هدف وجود دارد که خود شما در حین عمل آنها را تجربه خواهید کرد. گرچه چند پیشنهاد ذیل برای شروع اداره کلاس مفید خواهد بود.

بچه‌ها علاقه طبیعی برای یادگیری دارند و معمولاً بدون ایجاد مشکل، به کار یادگیری ادامه می‌دهند به شرطی که کاری که به ایشان محول می‌شود جالب و در عین حال نه زیاد دشوار و نه زیاد ساده باشد.

برای مثال، چگونه آموزگار می‌تواند در موارد ذیل از مشکلات جلوگیری کند؟

۱. یکی از بچه‌ها یا چند نفر از آنها تکلیف خود را به پایان رسانده‌اند و کار دیگری ندارند.
۲. یکی از بچه‌ها یا چند نفر از آنها نفهمیده‌اند که چه باید بکنند و یا اینکه انجام کار برایشان مشکل است.
۳. انجام سرگرمی یا بازی برای یک یا چند نفر از بچه‌ها بسیار ساده است.
۴. بچه‌ها مدت زیادی در انتظار می‌مانند تا آموزگار برنامه‌ای را شروع کند.

هریک از موقعیت‌های بالا را در نظر گرفته و پیشنهادات خود را برای جلوگیری از بی‌نظمی در کلاس بنویسید.

۱. _____
۲. _____
۳. _____
۴. _____

بعد از نوشتن نظریات خود، در باره راه حل‌های خود با گروه مشورت نمائید.

بی‌نظمی ممکن است در فاصله برنامه‌های گوناگون کلاس پیش بیاید. بعضی از آموزگاران با تجربه پیشنهاد می‌کنند در چنین شرایطی سرود خوانده شود. مشغول کردن بچه‌ها به سرود خواندن باعث می‌شود که از صحبت کردن و پرت شدن حواسشان جلوگیری کند. همچنین سرود خواندن راه خوبی است برای اینکه اطفال از برنامه‌ای که عموماً برایشان جالب نیست، لذت ببرند. مثلاً وقت تمیز و مرتب کردن کلاس، با هم می‌خوانند: ”حالا وقت تمیز کردن کلاس است، تمیز کردن، تمیز کردن!“

بخش ششم - قوانین

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

”اسّ اساس سیّات نادانی و جهالت است لهذا باید باسباب بصیرت و دانائی تشبّث نمود و تعلیم اخلاق کرد و روشنی بافاق داد تا در دبستان انسانی تخلّق باخلاق روحانی نمایند و یقین کنند که هیچ جحیم و سعیری بدتر از خلق و خوی سقیم نه و هیچ جهنّم و عذابی کثیف تر از صفات موجب عتاب نیست.“^۳

آموزش روحانی نیاز به انضباط شدید را که مستلزم سرزنش و تنبیه سخت و مداوم است از بین می برد. از روز نخست آموزگار باید بچه ها را با عشق الهی آشنا و مأنوس نماید. عشقی که موجب ایجاد رفتار نیک در هر بنده مشتاق حضرت بهاء الله می شود. به این ترتیب اشتیاق کودکان برای زیستن بر طبق احکام الهی روز به روز افزایش می یابد. داستان هایی از زندگی حضرت عبدالبهاء، مَثَل اعلامی دیانت بهائی، می تواند راهنمای خوبی در این مسیر باشد.

با این حال، گاهی معلّم متوجّه می شود که به رغم توجّه و محبّت فراوان، خردسالان آنگونه که باید رفتار نمی کنند. نکات ذیل می تواند به آموزگاران در ایجاد آرامش و نظم در کلاس یاری نماید:

۱. چند روز اول کلاس، مهم ترین روزهای سال هستند. اگر محیطی توأم با احترام و انضباط در این روزها مستقر شود، تا آخر سال ادامه خواهد یافت. اگر معلّم در ابتدا قوانین رفتار در کلاس را برای شاگردان توضیح و تشریح کند چنین محیطی بوجود خواهد آمد. کامیابی در رسیدن به این هدف بستگی به نحوه توضیح آموزگار و اجرای آن قوانین دارد. آموزگار باید جدّی و پا برجا در عقیده خود و در عین حال سرشار از محبّت و عاطفه باشد.

۲. در ابتدا معلّم باید چند قانون مهم رفتاری را برای شاگردان برگزیند (نه بیش از سه یا چهار در آن واحد). این قوانین با زبانی ساده به آنان توضیح داده شود. ذکر نمودن قوانین بسیار عمومی مانند ”بچه ها باید مواظب رفتار خود باشند“، راهگشای چندانی برای آنان نمی شود ولی در عوض با گفتن اینکه ”بچه ها نباید دعوا کنند“ یا اینکه ”بچه ها باید برای صحبت کردن در کلاس اجازه بگیرند“ درکش برای آنان آسان است. با گروه خود مشورت کنید و چهار قانون به لیست زیر اضافه کنید.

بچه ها:

الف. نباید دعوا کنند.

ب. باید با دقّت به درس گوش کنند.

ج. باید مؤدبانه منتظر نوبت خود باشند.

د. باید تکلیف‌های خود را تمام کنند.

ه.

و.

ز.

ح.

۳. هنگامی که کودکان این قوانین را درک و هضم کردند، معلم می‌تواند قوانین دیگری را معرفی نماید با یادآوری این موضوع که نباید در آن واحد تعداد زیادی بیان شود. وقتی که طفلی مرتباً بدرفتاری می‌کند، آموزگار باید در صدد پیدا کردن راه حلی برای اصلاح طفل برآید. معمولاً وقتی که آموزگار صبر خود را از دست می‌دهد، به این علت است که راه حل مناسبی در ذهن ندارد. بیائید این بیان از حضرت عبدالبهاء را به یاد داشته باشیم:

”مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند ستایش کند و تحسین نماید و تطیب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بیفائده صدور یابد طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و بوسائط معقوله حتی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابداً جائز نیست زیرا بکلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مذموم گردد.“^۴

بخش هفتم - دوستی

کلمه‌ها و واژه‌هایی که آموزگار برای گفتگو با شاگردان بکار می‌برد، گویای عواطف اوست. برای مثال به این دو عبارت توجه کنید:

الهام! ساکت بنشین و با دیگران درس را تکرار کن!

الهام، عزیز، حالا درس را با دیگران تکرار کن.

عبارت دوم، بطور وضوح شامل واژه‌های نرم‌تری است. حتی می‌توان کلمه ”عزیزم“ را هم بکار برد بدون اینکه احساس محبتی از آن به مشام رسد. دوستانه رفتار نمودن آموزگار بستگی به صمیمیت وی دارد که این صمیمیت را می‌توان با کلمات یا تثن صدا و یا با حرکات بیان کرد. واژه‌هایی که برای صحبت با کودکان و یا درباره آنان بکار می‌بریم گویای طرز فکر ما نسبت به آنان است. مثلاً در مورد کودکی که غالباً با عنوان احمق و بدرفتار

نامیده می شود چه احساسی دارید؟ آیا احساس عشق می کنید؟ آیا احساس عاطفه و مهربانی می کنید؟ چه احساساتی در قلب شما نسبت به کودکی که دقیق و مطیع است بوجود می آید؟

اینک کلمه های زیر را بخوانید و بگوئید کدام یک از آنان شایسته است که آموزگار بهائی هنگامی که شاگردان را مورد خطاب قرار می دهد استفاده نماید. کدامیک از این واژه ها را مکرر می شنوید؟

احمق	معاصد	بیش از حد
شیطان	خودخواه	دقیق
شریف	بی ارزش	خوشحال
گنگ	گرانقدر	خوب
مطیع	بدرفتار	زنده
هوشیار	خانم وار	باوقار
مشکل ساز		

در دنیای امروز دو عقیده افراطی وجود دارد که آموزگاران بهائی باید از آن اجتناب نمایند. نظریات سنتی مبنی بر مجازات سخت و نظم و انضباط شدید که هنوز در بسیاری از نقاط مورد اجرا است. در برابر واکنش به این طرز رفتار خشک و نامهربانانه، تعداد فزاینده ای از مردم معتقدند که کودکان هرگونه که میل دارند باید رفتار نمایند و به ایشان اجازه می دهند آزادی مطلق داشته باشند. وظیفه یک معلم بهائی این است که روش معتدل پیش گیرد و در شکل دادن شخصیت روحانی اطفال با محبت، صبر و حکمت کمک نماید.

علاوه بر محتوای درس هایی که خردسالان در هر کلاس فرا می گیرند، می توانند با پیروی از اخلاق و رفتار آموزگار خود، رفتار و کردار خود را در جهت مثبت اصلاح کنند.

۱. موضوع مهم پند و نصیحت است. آموزگار باید با صرف وقت با کودکی که نیاز به کمک دارد صحبت کند و او را نصیحت نماید. البته معلم باید در این لحظات با محبت و در عین حال، بسیار جدی باشد. نباید عصبانیت یا بیحوصلگی نشان دهد. در مورد کلمه هایی که برای نصیحت یک بچه یا یک گروهی از بچه ها به کار خواهید برد با گروه خود مشورت کنید.

۲. اگر آموزگار به فرموده حضرت عبدالبهاء عمل نماید و مرتباً از رفتار شایسته کودکان تقدیر و تحسین کند، آنان بخوبی متوجه خواهند شد که عدم تحسین معلم در مواقعی، نشانه این است که معلم از عمل و یا رفتاری رضایت ندارد. این خود می تواند یک راه تنبیه مؤثر باشد.

۳. اگر کودکی کار ناشایستی را با وجود تذکر معلم تکرار نماید، آموزگار می تواند آشکارا عدم رضایت خویش را از رفتار آن طفل بیان کند. این تذکر با لحنی جدی ولی مؤدبانه باید صورت بگیرد. برای کودکی که عادت دارد توجه و محبت از معلم ببیند این خود سخت ترین تنبیه است.

بخش هشتم - پاداش

به منظور پیروی از دستور حضرت عبدالهء، باید همواره در پی یافتن راه هایی برای تمجید و تشویق و ایجاد سرور در قلوب کودکان باشیم.

۱. نمی توان از اطفال انتظار داشت که رفتارشان در همه اوقات خوب باشد. وقتی که خوب رفتار کنند، معلم باید تشویق و تحسین کرده به آنها پاداش بدهد.

۲. پاداش گاه می تواند مادی مانند یک میوه باشد ولی اغلب بهتر است شامل اجازه صرف وقت بیشتری برای کاری که طفل دوست دارد انجام دهد، باشد.

به پرسش های زیر چگونه پاسخ می دهید؟

۱. در کلاس درسی که شاگردان بد رفتاری می کنند و آموزگار تذکری نمی دهد چه مشاهده می کنید؟
۲. کلاس درسی را که آموزگار مرتب مراتب رضایت خود را از رفتار شایسته کودکان بیان می کند چگونه ارزیابی می کنید؟
۳. اگر آموزگار به بچه ها بگوید که بالاخره خوب رفتار می کنند، حتی اگر فکر کند که بچه ها نمی توانند تغییری در رفتارشان بدهند، چه اثری خواهد داشت؟

اکنون در فکر چند بازی و سرگرمی که کودکان دوست دارند انجام دهند، باشید که بتوان از آنها به عنوان پاداش استفاده نمود. وقتی که علت پاداش بیان شود، آن عمل تأثیر بیشتری خواهد داشت؛ مثلاً اگر گفته شود "ژیلا امروز برگه ها را به شاگردان توزیع می کند چون نسبت به همکلاسی هایش مؤدب بود" اثرش بیشتر خواهد بود تا اینکه بدون هیچ توضیحی اجازه بدهید که ژیلای برگه ها را به هم شاگردی هایش توزیع کند.

۱. نزدیک آموزگار بنشینند.

۲. نوع بازی را انتخاب کنند.

۳.

۴.

۵.

بخش نهم - تنبیه

در برخی موارد شاید ضروری باشد که آموزگار رفتار جدی‌تری داشته باشد و بعضی تنبیه‌ها را مجری دارد. نمونه‌های این تنبیه‌ها چنین هستند: اجازه ندادن شاگرد به نقاشی، یا محرومیت از شرکت در بازی برای چند دقیقه. در مورد اینگونه تنبیه سه نوع طرز تفکر وجود دارد. اول اینکه کودک باید دقیقاً بداند که به چه جهت مجازات شده است. آموزگار باید به روشنی توضیح بدهد که مثلاً: "برای اینکه شما فلان کار را انجام دادید، باید پنج دقیقه دیرتر از دیگران وارد بازی شوید." نظریه دوم اینست که مجازات باید بلافاصله بعد از انجام عمل ناشایست صورت بگیرد چون بچه بزودی کار اشتباه خود را فراموش می‌کند. نظریه سوم اینست که مجازات باید کم و منطقی باشد. مثلاً محروم کردن کودک از بازی به مدت یک هفته مناسب و عاقلانه به نظر نمی‌رسد.

حال در مورد نظریه آخر با افراد گروه خود مشورت نمائید. لیستی از تنبیه‌های مناسب و لیست دیگری از مجازات‌هایی که برای کلاس بهائی مناسب نیست تهیه کنید.

تنبیه‌های مناسب :

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

تنبیه‌های نامناسب:

۱.

۲.

۳.

بخش دهم - همکاری

زمانی که صرف رنگ آمیزی می شود فرصت هائی برای کودکان عرضه می کند تا رفتار موقرانه ای را که باید مشخصه افراد بهائی باشد فرا گیرند. در این زمان کودکان باید بویژه به صفات صبر، نظم، انضباط و همکاری و میل به سهم بودن با دیگران خوب گیرند. اطفال همیشه از نقاشی و رنگ آمیزی لذت می برند ولی اگر معلم نتواند کلاس را اداره کند این ساعت از کلاس بی نظم خواهد بود.

معمولاً آموزگار به هریک از شاگردان در اولین کلاس یاری می دهد که جای مناسب و خوبی برای انجام وظایف خود بیاید. او شروع به یافتن جا برای شاگردانی که دارای صفات صبر، همکاری و ادب می باشند، می نماید. طفلی که دیگران را هل می دهد، توجه بیش از حد می خواهد و داد و فریاد می کند باید منتظر بشود تا نوبتش برسد. در صورتیکه همین کودک روز بعد صبر و بردباری از خود نشان بدهد آموزگار باید از این فرصت استفاده کرده او را به جهت رفتار نیکش پاداش بدهد.

در توزیع مدادهای رنگی، معلم باید همین اصول را رعایت نماید. در ابتدا ممکن است به بچه ها اجازه دهد که مداد رنگی مورد علاقه خود را از جعبه مداد رنگی در دست آموزگار، انتخاب نمایند. وقتی که می خواهند رنگ مداد را عوض کنند، باید مدادی را که در اختیار دارند پس بدهند و با مدادی که می خواهند عوض کنند. به این ترتیب کودکان می آموزند تنها مدادی را که لازم دارند بردارند. بعد از چند جلسه درس، وقتی که بچه ها با روش کلاس آشنا شدند می توان جعبه مداد رنگی را در وسط قرارداد. اگر بچه ها عادت استفاده فقط یک مداد را در هر زمان پیش گیرند، آنان معنای نظم و همکاری را بخوبی دریافته اند. اگر شروع به جمع کردن مدادها در نزد خودشان بنمایند دوباره آموزگار باید مدادها را در اختیار خود گرفته و به هریک فقط اجازه استفاده از یک مداد را بدهد.

پرسش ها:

۱. نام چهار صفت را که کودکان می توانند در حین نقاشی کسب کنند نام ببرید: _____

۲. در اولین کلاس ها چه کسی باید مسئول دادن مداد رنگی ها باشد؟ چرا؟ _____

۳. چگونه آموزگار می فهمد که شاگردان در نظم و همکاری پیشرفت کرده اند؟ _____

بخش یازدهم - تمرین ها

در این بخش مقداری پرسش و تمرین در مورد رعایت نظم و رفتار ارائه می گردد. در مورد این تمرین ها فکر کنید و در هر یک از آنها با افراد گروه و راهنمای خود مشورت نمایید.

۱. کیوان و نوید همیشه خیلی سریع یاد می گیرند و بعد شروع به بازی کرده ایجاد سرو صدا می نمایند. این رفتار ممکن است نشانه این باشد که :

الف. این بچه ها بسیار بازی گویند.

ب. آنها خسته اند.

ج. درس ها بسیار دشوار است.

د. درس ها بسیار آسان و یا کوتاه است و حوصله شان سر می رود.

ه. آموزگار خسته است.

۲. گلناز هرگز به پرسش ها جواب نمی دهد و به نظر می رسد که دیوار کلاس است حواسش به کلاس نیست. این ممکن است به این معنا باشد که :

الف. گلناز دختر بسیار خوبی است.

ب. ممکن است خسته باشد.

ج. درس ها برای او مشکل است.

د. درس ها برای او بسیار ساده است.

ه. او از حفظ کردن مطالب خوشش نمی آید.

و. گلناز ممکن است بیمار باشد.

۳. پنج دقیقه پس از شروع کلاس، کودکان بی قرار می شوند و به درس معلم توجهی نمی کنند. این رفتار کودکان ممکن است به یکی از دلایل زیر باشد :

الف. بچه ها بد رفتارند.

ب. آنها خسته اند.

ج. از حفظ کردن درس ها خوششان نمی آید.

د. درس ها برایشان بسیار آسان است.

ه. آموزگار شوق و ذوق در آموزش نشان نمی دهد.

۴. هوشنگ پس از پانزده دقیقه کار کردن، شروع به سر بسر گذاشتن فرهاد می‌کند. این رفتار هوشنگ ممکن است به یکی از علل زیر مربوط باشد:

الف. هوشنگ همیشه سر بسر بچه‌های دیگر می‌گذارد.

ب. او خیلی بی‌قرار و ناآرام است.

ج. هوشنگ خسته است.

د. او از آموزگار خوشش نمی‌آید.

ه. درس‌ها را دوست ندارد.

و. او برای انجام تکلیف‌ها به زمان بیشتری نیاز دارد.

۵. برای بهبود وضعیت هر کدام از این چهار حالت فوق چه راه حلی دارید؟

حالت اول:

حالت دوم:

حالت سوم:

حالت چهارم:

۶. چطور متوجه می‌شوید که دلیل سر بسر گذاشتن یک کودک به کودک دیگر به علت شیطنت اوست یا اینکه

خسته است؟

۷. چطور متوجه می‌شوید که آیا کودک خسته است و یا تکلیف برایش دشوار است؟

۸. اگر آموزگار تحملش را از دست داده عصبانی بشود نشانه آن است که؟

- الف. بچه ها غیر قابل تحمل می باشند.
- ب. آموزگار غیر قابل تحمل است.
- ج. معلم شاگردان را درک نمی کند.
- د. معلم خسته است.
- ه. معلم خود را برای کلاس آماده نکرده است.
- و. بچه ها بد رفتاری می کنند.
- ز. آموزگار نباید به بچه ها درس بدهد.
- ح. آموزگار باید با والدین کودکان صحبت کند تا آنان فرزندان خود را تنبیه کنند.

۹. آموزگار چه روشی باید اتخاذ کند که با بچه ها عصبانی نشود؟

- الف. از ادامه درس خودداری نماید.
- ب. فقط کودکان خوب را بپذیرد.
- ج. پیش از آغاز هر کلاس دعا بخواند.
- د. سعی کند که رفتار بچه ها را درک کند.

۱۰. در شروع بازی، سیما شروع به جیغ کشیدن و هل دادن بچه های دیگر می کند و می خواهد که نفر اول باشد. این نشانه گرایش است به جهت:

- الف. صبر
- ب. رهبری
- ج. خودخواهی
- د. همکاری

پاسخ خود را توضیح دهید:

۱۱. در مورد رفتار سیما، آموزگار باید:

- الف. برای آرام کردن او بگذارد که او بازی را شروع کند.

- ب. اجازه ندهد که سیما در این دور بازی شرکت کند و به او بگوید در صورتیکه میل دارد در بازی بعدی شرکت کند باید از هُل دادن و جیغ کشیدن دست بردارد.
- ج. یک کودک آرام را برگزیند و بگوید شهرام چون پسر آرام و ساکتی است بازی را او شروع خواهد کرد. در صورتی که سیما آرام بگیرد و دست از حرکات نامطبوع خود بردارد معلم به او اجازه بدهد در جای سوم یا چهارم بازی کند.
- د. معلم بگذارد او بازی را شروع کند ولی به او بگوید که نباید اینگونه داد و فریاد کند.

پاسخ خود را توجیه کنید:

۱۲. کدامیک از اقدامات ذیل بنظر شما بهتر است؟

- الف. معلم در یک محلّ بنشیند و اطفال به نزد او بیایند تا نقاشی هایشان را نشان بدهند و یا مدادهای رنگی را عوض کنند.
- ب. معلم در میان اطفال قدم بزند و مدادهای رنگی را پخش کرده به آنها کمک نماید.
- ج. معلم اجازه دهد اطفال نقاشی کنند و خودش بیرون رفته و با دوستش صحبت نماید.

۱۳. اگر معلم مدادهای رنگی را روی میز بگذارد و بعضی از اطفال همکاری کنند و با بقیه شریک شوند اما عده‌ای هنوز بخواهند که بیشتر از یک مداد رنگی برای استفاده خودشان بردارند، در این صورت معلم چه باید بکند؟

- الف. یکی از اطفال را که مدادهای رنگی را شراکتاً مصرف می‌کند برای توزیع آنها انتخاب نماید.
- ب. تمام مدادهای رنگی را جمع کند، بعد به هرچه یک مداد رنگی بدهد و کاغذ نقاشی را از بچه‌های خودخواه پس بگیرد تا نتوانند نقاشی کنند.
- ج. مدادهای رنگی و کاغذهای نقاشی را جمع کند و اجازه ندهد که هیچ کس نقاشی کند.
- د. مداد رنگی بیشتری برای اطفالی که کم دارند بیاورد، زیرا بقیه بیشتر برداشته‌اند.
- ه. از اطفال بخواهد که مدادهای رنگی را که استفاده نمی‌کنند در وسط میز قرار دهند.

پاسخ خود را شرح دهید:

بخش دوازدهم - ثبت پیشرفت‌ها

موفقیت کلاس‌های ما تا حد زیادی بستگی به خصایص آموزگار و روشی که برای انجام کار و سرگرمی‌های گوناگون اتخاذ می‌کند، دارد. اما همچنین آموزگار باید وسیله‌ای برای نظم و ترتیب امور در کلاس و پیگیری پیشرفت دانش‌آموزان در کلاس درس داشته باشد. یکی از این وسایل، ثبت پیشرفت کودکان است که در این بخش به آن اشاره می‌کنیم.

فرشته، یکی از احبابی جامعه، آرزوی آموزش کودکان را دارد. او هدفش رشد و پیشرفت روحانی اطفال است تا جامعه بهائی مبدل به بهشتی از محبت و الفت شود. او می‌خواهد که شاگردان همه مواد درسی را که او آماده کرده است به خوبی فرا بگیرند ولی می‌داند که بعضی از اطفال سریعتر از دیگران یاد می‌گیرند. از اینرو او تصمیم می‌گیرد دفتری تهیه و پیشرفت هر یک از اطفال را ثبت کند. پس از گذشت چند ماه در دفتر او چنین می‌خوانیم.

پیش از شروع، فرشته به همه احبابی ناحیه اطلاع داده است که کلاس کودکان هر روز یکشنبه بعد از ظهر برگزار می‌شود. روز اول سپتامبر این شاگردان در کلاس درس او ثبت نام کردند:

مریم ۵ ساله	انیس ۵ ساله
فرانک ۵ ساله	مونا ۵ ساله
سیمین ۶ ساله	نیکی ۵ ساله
نادر ۶ ساله	حمیده ۶ ساله
لادن ۶ ساله	جاوید ۵ ساله
نیما ۶ ساله	الهه ۵ ساله
پریا ۶ ساله	آرمان ۶ ساله

برای ثبت نام کردن آنها، فرشته اسم هر کدام و سن آنها را در فرمی که در آخر این قسمت آمده نوشت.

فرشته اولین کلاس را در روز ۶ سپتامبر آغاز کرد و از اینکه مریم، فرانک، نادر، لادن، نیما، مونا، نیکی، الهه، آرمان نص ۱ را به خوبی یاد گرفتند بسیار خوشحال شد. فرشته تاریخ را در ستون اول، در مقابل اسم اطفالی که نص را بدون کمک می‌توانستند بیان کنند نوشت. آیا می‌توانید این تاریخ‌ها را در فرم ثبت شده پیدا کنید؟

دومین کلاس در روز ۱۳ سپتامبر قدری مشکل‌تر بود و فقط فرانک، نیما، الهه و آرمان نص دوم را از حفظ کرده بودند. همین‌طور سیمین، پریا و حمیده نص اول را حفظ کردند.

برای سومین کلاس که ۲۰ سپتامبر بود فرشته تصمیم گرفت که بجای یاد دادن درس جدید، نصوص اول و دوم را تکرار کند. جاوید نص اول را یاد گرفت و مریم، سیمین، لادن، نادر، پریا، مونا و حمیده نص دوم را به خوبی یاد گرفتند.

در چهارمین کلاس، روز ۲۷ سپتامبر، فرشته نص سوم را شروع کرد. تا آخر کلاس، فرانک، سیمین، لادن، نیما، پریا و الهه نص سوم را یاد گرفتند. همین طور انیس نص اول را یاد گرفته بود. فرشته از اینکه می دید انیس نص اول را با یاری مادرش یاد گرفته خوشحال بود و با رضایت کامل تاریخ فراگیری را در دفتر یادداشت کرد.

فرشته از اینکه مشاهده می کرد که خانه های دفتر ثبت موفقیت پر می شود مسرور بود. یک روز بعضی از همسایگان اظهار داشتند که آنها متوجه تغییراتی در بچه ها شده اند. آنها از کلاس بسیار خوشنود بودند. به محض شنیدن این موضوع اشتیاق فرشته افزایش یافت. او به کار تدریس ادامه داد و با محبت و فداکاری نتایج ذیل را بدست آورد:

نتایج ۴ اکتبر:

مریم، نادر، نیکی، حمیده و جاوید نص سوم را آموختند.
فرانک، لادن، پریا، آرمان، الهه، نیما، سیمین و مونا نص چهارم را یاد گرفتند.

نتایج ۱۸ اکتبر:

مریم، نادر، لادن و حمیده نص پنجم را یاد گرفتند.
توجه: اکثر بچه ها در کلاس درس حاضر نشدند چون مبتلا به سرماخوردگی بودند.

نتایج ۲۴ اکتبر:

فرانک، آرمان، انیس و نیکی نص پنجم را آموختند.
توجه: هنوز تعدادی از کودکان بیمار بودند.

نتایج ۱ نوامبر:

فرشته این روز را صرف کمک به کودکانی که عقب مانده بودند، نمود و این نتایج را بدست آورد:
انیس نص سوم را یاد گرفت. حمیده نص چهارم را و آرمان نص سوم را یاد گرفتند.

نتایج ۸ نوامبر:

سیمین، لادن، آرمان، انیس، مونا، نیکی و جاوید نص ششم را یاد گرفتند.

حال به دفتر یادداشت خود توجه کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱. چند نفر نصّ ششم را یاد گرفته‌اند؟

۲. چند نفر از شاگردان هنوز نصّ چهارم را یاد نگرفته‌اند؟

۳. جاوید چند نصّ را یاد گرفته است؟

۴. با کدام یک از کودکان فرشته باید این یکشنبه بیشتر کار کند تا در درس قدری پیشرفت نمایند؟

۵. کدامیک از نصوص را نادر باید فرا بگیرد؟

۶. آرمان چه نصوصی را باید یاد بگیرد؟

۷. سه طریق را که می‌توان به جاوید کمک کرد، بنویسید:
الف. _____
ب. _____
ج. _____
۸. فرشته در کلاس بعدی باید چه درسی بیاموزد؟

۹. با بررسی دفتر یادداشت به نظر شما آیا فرشته بعد از مشاهده نتایج پیشرفت بچه‌ها در کلاس ۴ اکتبر، باید رفتار متفاوتی انجام می‌داد؟

وقتی که کلاس کودکان را شروع می‌کنید برای اینکه آگاه باشید شاگردان چه نصوصی را یاد گرفته‌اند می‌توانید از جدول صفحه بعد برای یادداشت استفاده کنید. جدول صفحه بعد آورده شود.

جدول پیشرفت شاگردان

نام	سن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
مریم	۵	۶ س	۲۰ س	۱۴		۱۱۸				
فرانک	۵	۶ س	۱۳ س	۲۷ س	۱۴	۱۲۴				
سیمین	۶	۱۳ س	۲۰ س	۲۷ س	۱۴		۸ ن			
نادر	۶	۶ س	۲۰ س	۱۴		۱۱۸				
لادن	۶	۶ س	۲۰ س	۲۷ س	۱۴	۱۱۸	۸ ن			
نیما	۶	۶ س	۱۳ س	۲۷ س	۱۴					
پریا	۶	۱۳ س	۲۰ س	۲۷ س	۱۴					
انیس	۵	۲۷ س		۱ ن	۱۴	۱۲۴	۸ ن			
مونا	۵	۶ س	۲۰ س				۸ ن			
نیکی	۵	۶ س		۱۴		۱۲۴	۸ ن			
حمیده	۶	۱۳ س	۲۰ س	۱۴	۱ ن	۱۱۸				
جاوید	۵	۲۰ س		۱۴			۸ ن			
الهه	۵	۶ س	۱۳ س	۲۷ س	۱۴					
آرمان	۶	۶ س	۱۳ س	۱ ن	۱۴	۱۲۴	۸ ن			

جدول پیشرفت شاگردان

نام	سن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

بخش سیزدهم - خانواده هر کودک

علاوه بر دانستن راه‌های اداره یک کلاس بنحو احسن، بجاست که شما به عنوان آموزگار روابط دوستانه‌ای با خانواده کودکان برقرار نمایید. می‌دانیم کودکان در هر لحظه از زندگی مشغول یادگیری هستند. حتی پیش از رفتن به مدرسه بچه‌ها چیزهای زیادی یاد گرفته‌اند. آنها راه رفتن و صحبت کردن را آموخته‌اند. راه خانه و فروشگاه و خانه دوستان و بستگانشان را فرا گرفته‌اند. حیوانات و گیاهان زیادی را می‌شناسند و می‌دانند چیزهایی هست که می‌توان با پول خرید. اینها نمونه‌هایی از معلوماتی است که تا پیش از رفتن به مدرسه بدست آورده و به ذهن سپرده‌اند. اینهمه معلومات را چگونه بدست آورده‌اند؟ البته در طی بازی و سرگرمی و انجام بعضی کارها با افراد خانواده و همسایگان، آنها را آموخته‌اند. اغلب اینها را از پدر و مادر و خواهر و برادر با تقلید کردن در گفتن و عمل کردن یاد گرفته‌اند. اما باید در نظر داشت آموزشی که بچه‌ها در خانه می‌بینند، عمیق و فشرده نیست. پدر بیشتر ساعت‌های روز را در بیرون خانه مشغول کار و فعالیت است و تنها چند ساعت از وقتش را با خانواده‌اش می‌گذراند. مادر نیز اغلب گرفتار کارهای گوناگون است و فرصت زیادی برای آموزش مستقیم به کودکان ندارد. کودکان رفتار و گفتار والدین را مشاهده می‌کنند و از آنان تقلید می‌کنند و مثل آنها زندگی می‌کنند. این راه اصلی است که بچه‌ها می‌آموزند. از آنجا که سایر افراد خانواده فرصت و وقت کافی برای تعلیم کودکان ندارند، قادر نیستند کلاس‌های مخصوص برای بچه‌ها ترتیب بدهند. بنابراین وقتی فردی قسمتی از وقت و فرصت و نیروی خود را برای آموزش اطفال صرف می‌نماید در حقیقت خدمت مهمی به جامعه انجام می‌دهد. هر وقت که کلاس کودکان تشکیل می‌شود این امکان بوجود می‌آید تا از فرصت مناسبی که طی آن آموزش و پرورش سریع کودکان انجام پذیر می‌باشد، استفاده شود. بنابراین روابط خانواده و آموزگار کلاس بسیار پراهمیت است. خانواده‌ها اعتماد دارند که آموزگاران به فرزندانشان به طریق صحیح آموزش می‌دهند و آموزگاران نیز مطمئن هستند که پشتیبانی خانواده را از لحاظ مادی و معنوی به دنبال دارند. در کلاس، کودکان بر طبق آمال و خواسته‌های والدین تعلیم داده می‌شوند. والدین برنامه آموزشی را از طریق سرمشق بودن و تشویق کودکان به شرکت حمایت می‌کنند. بنابراین توسعه و حفظ یک رابطه خوب و محبت آمیز و نزدیک بین خانواده‌ها و آموزگار خیلی مهم است.

۱. چند نمونه از آنچه که کودک در خانه می‌آموزد را بنویسید.

۲. بچه‌ها چگونه از زندگی روزانه خانواده مطالبی یاد می‌گیرند؟

۳. روش اصلی برای آموزش کودکان که بوسیله خانواده‌ها بکار برده می‌شود چیست؟

۴. چرا باید روابط صمیمانه نزدیک بین خانواده‌ها و آموزگار کلاس بهائی کودکان ایجاد شود؟

بخش چهاردهم - روابط با خانواده‌ها

متأسفانه روابط بین والدین و آموزگاران تحت تأثیر مدارس عادی روزانه خارج از امر، قرار گرفته است. در محیط خصوصاً آمیزی که اغلب سیستم‌های آموزشی عمل می‌کنند، این رابطه یک رابطه متقابل بی‌اعتمادی و تهمت می‌باشد. بدین ترتیب، آموزگاران، پدران و مادران را برای بدرفتاری کودکان سرزنش می‌کنند و والدین هم از معلمین شکایت می‌نمایند که راه و روش آموزش را نمی‌دانند. روشن است که یک معلم کلاس‌های بهائی باید کوشش خود را به نهایت انجام دهد که بر این مشکل گسترده فائق آید. وظیفه یک بهائی یاری رساندن به دیگران، بخشیدن اشتباهات دیگران بجای بزرگ جلوه دادن آنهاست. معلم باید نهایت تلاش و کوشش خود را بعمل آورد تا به خانواده کودکان نزدیک شود و همواره درباره نحوه رفتار کودکان، چه در کلاس و چه در منزل، با ایشان مشاوره نماید. تماس و مکالمه مداوم و دوستانه باید وجود داشته باشد و موفقیت‌های کودکان و صفات ممتازه ایشان هر قدر کم و کوچک مورد بحث قرار گیرد. بعداً در مشاوره با والدین، می‌توانید تصمیم بگیرید که چگونه از این کامیابی‌ها به منظور تشویق و ترغیب اطفال در توسعه صفاتی که دارا می‌باشند استفاده نمائید.

فقط تحت چنین شرایطی، با بصیرت و بینش فراوان، می‌توان اشتباهات کودکان را ذکر نمود. هدف از این کار باید یافتن راه همکاری مثبت بین خانواده و آموزگار باشد تا بتوان به کودک یاری کرد تا خطاهای خود را اصلاح نماید.

موضوع روابط رسمی بین آموزگار و خانواده بسیار گسترده است و ذکر تمام ظرائف آن از حوصله این بخش خارج است. به تدریج متوجه می‌شوید که با تدریس در کلاس، وسیله‌ای برای پیشرفت جامعه، آموزش همگان و توسعه همکاری و همیاری بین خانواده‌ها، به دست آورده‌اید. از آنجا که شما در این راه تازه کار هستید نمی‌توان انجام وظایف متعدد را از شما انتظار داشت. اولین و مهمترین وظیفه‌ای که درپیش دارید، ایجاد یک کلاس نمونه و تحسین هر فردی از جامعه از نحوه تدریس شما و پیشرفت اطفالی که شرکت می‌کنند خواهد بود. ولی به تنهایی

نمی‌توانید اینها را بدست آورید مگر همانطور که ذکر شد با استفاده از فرصت‌های مناسب، با افراد خانواده هر طفل مشورت نموده حمایت آنان را کسب کنید.

برای شروع این مشورت‌ها پیشنهاد می‌کنیم که فهرستی از فضایل روحانی که میل دارید کودکان در آنها پیشرفت نمایند، فراهم کنید و برای هر فضیلت یک نص از آثار امری پیدانمائید. نصوص زیادی می‌توان در مطالبی که به اطفال یاد می‌دهید، پیدا کرد. می‌توانید نصوص اضافی در بخش‌های دیگر و در آثار مقدسه که می‌خوانید پیدا کنید. در بحث و صحبت با خانواده‌های اطفال این صفات را مطرح کنید و نظر بدهید، نصوص مربوطه را توضیح دهید و درباره راه و روش‌هایی که هر فرد می‌تواند در توسعه این صفات در کودکان جامعه، یاری نماید مشورت کنید. یکبار دیگر به یاد داشته باشید که اظهار نظر شما باید مثبت باشد و اثری از انتقاد در صحبتتان نباشد، نه در کلمات شما و نه در لحن صدایتان.

مراجع

۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ش ۱۱۵ ص ۱۳۶ مؤسسه مطبوعات امری امریکا
۲. مأخذ بالا، ش ۱۱۱ ص ۱۳۳
۳. مأخذ بالا، ش ۱۱۱ صص ۱۳۲-۱۳۳
۴. مأخذ بالا، ش ۹۵ ص ۱۲۲